

**Journal iranian political sociology**

**Vol. 4, No.4, winter2022**

**<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.281279.1662>**

**Investigating the position of NGOs Iran's executive criminal policy by considering the instruction on how to participate and interact of popular institutions with the judiciary approved in 1398**

**Abstract:**

Undoubtedly, in the present era along development of societies and spread of crime, the crisis of disability and inefficiency and failure of governments to prevent crime and reform criminals has led to the tendency of NGO to participate in the criminal policy program.

Attracting the participation and opinion of the people in the justice system can gain their trust and make the implementation of justice easier, so today the governing institutions see no other way but the participation of the NGOs. NGOs are influential in various areas of criminal policy, including legislative, participatory, judicial and executive criminal policy.

Role of the NGOs in the executive criminal policy is very prominent. For example, they can play an important role in the execution of punishments, including alternatives to imprisonment, as well as in the post-prison care process.

According to the main research question (What is the position of the NGOs in Iran's executive criminal policy?) using descriptive and library analytical methods, according to the Islamic Penal Code and instructions on how to participate and interact with non-governmental organizations and the judiciary adopted in 2009, the author first examined concepts such as criminal policies, then suspended the punishment of the period of care of the impact of criminal policies in prison, and after punishment, presented practical suggestions.

**Keyword:** Criminal policy; NGOs; Instruction; Role; Correction

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.281279.1662>

بررسی جایگاه سمن‌ها در سیاست جنایی اجرایی ایران با در نظر گرفتن دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۸

فاطمه آزادیان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

اسماعیل هادی تبار<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مطالعه جایگاه سمن‌ها در سیاست جنایی اجرایی ایران صورت گرفته است. در عصر حاضر و با پیشرفت جوامع، بحران ناتوانی و عدم توفیق دولت در خصوص پیشگیری از جرائم و اصلاح مجرمان سبب گرایش به مشارکت سمن‌ها در برنامه‌های سیاست جنایی شده است. در واقع، جلب مشارکت و نظر مردم در نظام عدالت سبب جلب اعتماد آنها و اجرای هرچه آسان‌تر خواهد بود و امروزه نهادهای حاکمیت، راهی جز جلب مشارکت سمن‌ها نمی‌بینند و همین امر نشان‌دهنده ضرورت توجه به موضوع سمن و جایگاه آن است. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تفسیری-کیفی ضمن گردآوری اطلاعات پیرامون مفاهیمی چون سمن‌ها، سیاست جنایی، تعلیق مجازات، دوره مراقبتی، تاثیر سمن‌ها در سیاست جنایی در زندان و پس از مجازات را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و در پی پاسخ بدین سوال است که سمن‌ها چه جایگاهی در سیاست جنایی اجرایی ایران دارند؟ پاسخ و فرضیه‌ای که به این سوال داده می‌شود این است که سمن‌ها در بخش-های مختلف سیاست جنایی اعم از سیاست جنایی تقنینی، مشارکتی، قضایی و اجرایی تأثیر گذارند و لکن در سیاست جنایی اجرایی می‌توانند نقش پررنگ تری را ایفاء کنند؛ به عنوان نمونه در اجرای مجازات‌ها از جمله مجازات‌های جایگزین حبس و همچنین در مراجع مراقبتی پس از زندان می‌توانند جایگاه ویژه‌ای داشته باشند؛ همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که هدف از اجرای مجازات جایگزین حبس این است که محکوم بتواند فرصت بازگشت به اجتماع را داشته باشد که در این خصوص همه مردم بایستی احساس مسئولیت کنند و افزایش مشارکت مردمی بخصوص در بحث سمن‌ها بسیار مؤثر و سبب افزایش نظارت اجتماعی غیررسمی و افزایش امنیت در جامعه است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، سمن، دستورالعمل، نقش، اصلاح

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد آیت اله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران fateme.azadian99@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

e.haditabar@umz.ac.ir

به مرور زمان و تحت شرایطی مانند مطالعات جرم‌شناسی یا بزه دیده‌شناسی حمایتی به عوامل اساسی و مهمی مانند برخورد با اطلاع‌ی دادرسی و اعلام جرم و بی‌کیفرمانی بزه‌کاران دارای جایگاه والایی و قابل توجه در دادرسی کیفری است.

همچنین با توجه به جهانی شدن بعضی جرم‌ها و بیشتر شدن جرائم سازمان یافته و اقتصادی و تشکیل باندهای بزرگ تبهکاران که علاوه بر اختلال در امنیت داخلی، امنیت بین‌المللی را نیز مختل می‌کنند و با کمک ملت و شهروندان و گرفتن اطلاعات از کسانی که با استفاده از شغل خود در اختیار می‌گذارند و یا در بعضی موارد توسل به زور و اجبار مانند کودک‌آزاری به تعقیب و کشف جرم کمک شایانی خواهد کرد. در حقیقت نخستین جنبه مشارکن مردم در فرآیند کیفری به کشف جرم و تعقیب آن بر می‌گردد. که با انحصار دولت، افراد می‌توانند از بر ملا کردن جرم در دادرسی کیفری مشارکت کنند.

سازمان دهی و ورود سمن‌ها به عرصه دادرسی کیفری البته با گذشت زمان باعث شد قانونگذار با توجه به اساسنامه آنان حق اعتراض به رای را نیز بدانها اعطا کند. حمایت از محجورین از جمله از کار افتادگان و کودکانی که بی‌سرپرست یا بدسرپرست هستند، باعث می‌شود تا حقوق آنها در معرض تضییع قرار نگیرد.

در فرایند تعقیب جرم و کشف جرم شرکت مردم و سازمان‌های غیردولتی علاوه به این که امنیت عمومی فراهم می‌شود و همچنین اعتماد لازم میان مردم و دستگاه قضایی فراهم می‌گردد که این در واقع به نوعی باعث نزدیک شدن افکار عمومی اجتماع با دادرسی کیفری می‌شود که مجمع سیاست‌ها را با واقعیات جامعه همراه خواهد کرد و همچنین توجه به جایگاه‌های سازمان غیردولتی و نیز اختصاصی بودن این سازمان‌ها و شرایطی که باعث می‌شود اجازه فعالیت به آن سازمان داده شود اظهار نظر این سازمان و اعلام جرم و کشف جرم به وسیله این سازمان‌ها به طور عادی از اشخاص حقیقی از دقت بالایی و استحکام بیشتری برخوردار می‌باشد. در همین مورد در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی سال ۱۳۹۴ سازمان‌های غیردولتی به عنوان اعلام‌کننده جرم معرفی شدند. شاکی بودن نیز می‌توانست از وجاهت قوی‌تری برخوردار گردد در هر صورت این دیدگاه قانون‌گذار در واقع تحلیل جایگاه قانونی اعلام جرم در مقرراتی که پیش از این ماده به نام جرم پرداخته بودند از اهمیت والایی برخوردار است چون که نگرش اعلام جرم نوعی شرکت با کنش گران تعقیب دعوی عمومی تاکید می‌کند که از سوی اشخاص دولتی و اشخاص غیر دولتی خود پذیرش آن با چالش‌های و مشکلات مختلفی مواجه می‌شود که باید رفع شود و آسیب‌شناسی این نقاط قوت و ضعف قانون از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

کمک به دستگاه قضایی و دست‌اندرکاران امر رسیدگی به تظلمات جامعه موضوعی است که با گذر زمان و تحولات عمیقی که در حوزه قضاء به وجود آمد؛ مورد توجه خاص آنها قرار گرفت. به نحوی که در حال حاضر با توجه به تصویب قوانینی همچون قانون مندر کردن سازمان‌های مردم‌نهاد دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه مشتمل بر ۵ فصل، ۵۴ ماده و ۱۸ تبصره در تاریخ ۱۲/۶/۱۳۹۸ تهیه و با امضاء آیت‌الله رئیسی، ریاست محترم قوه قضاییه، به کلیه سازمان‌های ذی‌صلاح ابلاغ شده است باعث می‌شود تا اولاً آشنایی با وظایف و اختیارات این سازمان و رجوع به آنها نیز به نحو شایسته تری صورت پذیرد. بنابراین در ابتدای این دستورالعمل آمده است به منظور توجه نظام‌مند، پایدار و دانش‌بنیان به ظرفیت‌ها و توانمندی نهادهای مردمی برای مشارکت در زمینه‌های سیاست‌گذاری قضایی، پیشگیری از وقوع جرم، حمایت از بزه‌دیدگان، میانجیگری و صلح و سازش، نظارت بر اجرای قوانین، رسیدگی و بازاجتماعی شدن متهمان و مجرمان، با عنایت به تأکید مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبنی بر مردمی بودن برنامه‌های تحولی قوه قضاییه و نظر به اصول قانون اساسی خصوصاً اصول سوم و هشتم، و

اهمیت مشارکت مردم و ظرفیت گسترده نهادهای مردمی و در اجرای اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی و قوانین و مقررات مذکور در این دستورالعمل؛ «دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه» به شرح مواد آتی است. در این رابطه با توجه به اینکه دستورالعمل این سازمان ها به تازگی به تصویب رسیده است تحقیقات کمتری صورت پذیرفته است. اعم این تحقیقات در رابطه با وظایف و اختیارات سمن ها ب فعالیت پرداخته اندو به عنوان مثال، آرش محمدی (۱۳۹۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان نقش سازمان های مردم نهاد در فرایند دادرسی کیفری بدین موضوع پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می دهد: با مطالعه ی ماده ۶۶ لایحه معلوم می گردد که موضوع فعالیت سمن ها در این ماده، بزه دیده می باشد و سمن ها می بایست در موضع حمایت از آن برآیند. همچنین علی محمد نوریان (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان مشارکت سازمان های مردم نهاد در فرایند کیفری بدین موضوع پرداخته است. سازمان های مردم نهاد با آن که از سالها قبل در کشور حضور فیزیکی دارند اما متأسفانه از سوی دولت و نهادهای دولتی چندان جدی تلقی نشده و نقش آفرینی تأثیرگذاری در فرایند کیفری نداشته اند. از نوآوریهای قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تحقق آموزه های سیاست جنایی مشارکتی از طریق مشارکت سازمان های مردم نهاد در فرایند رسیدگی کیفری است که قانونگذار در ماده ۶۶ قانون مذکور به آن پرداخته است.

به نظر می رسد دستورالعمل همکاری نهادهای حمایتی با قوه قضاییه مواردی همچون، همکاری در جهت پیشگیری، همکاری در جهت بازپروسی مجرمین، مشارکت در فرایند رسیدگی، مشارکت در نظارت بر اجرای قوانین، مشارکت در میانجیگری و صلح و سازش و مشارکت در حمایت از بزه دیدگان از مهمترین اهداف تدوین این دستورالعمل می باشد. در ضرورت انجام این نیز تحقیق باید گفت که به رغم اهمیت سمن در بخش های مختلف سیاست جنایی اعم از سیاست جنایی تقنینی، مشارکتی، قضایی و اجرایی این موضوع، چنانکه باید مورد توجه مجامع علمی و پژوهشگران قرار نگرفته است و بررسی نقش سمن با در نظر گرفتن دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه، نیاز به تحقیق و مطالعه در این حوزه دارد. علاوه بر این با توجه به اینکه تاکنون مطالعه مستقلی پیرامون موضوع این جستار انجام نپذیرفته است و این تحقیق درصدد انجام این مهم برآمده است. بنابراین در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی اهداف سیاست جنایی در تصویب دستورالعمل همکاری نهادهای حمایتی با قوه قضاییه هستیم و در پی پاسخ به این سوال که جایگاه سمن ها در سیاست جنایی اجرایی ایران با در نظر گرفتن دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۸ چگونه است؟

#### ۱- مفهوم سمن

اصطلاح سازمان مردم نهاد از دو واژه معنادار «سازمان» و «مردم نهاد» تشکیل یافته است. واژه «سازمان» در لغت به معنای ساختن نظم و ترتیب، تشکیلات، مجموع کارمندان و دستگاه ها و شعب یک اداره یا بنگاه که به دستیاری همدیگر کارهای خود را با نظم و ترتیب انجام دهند آمده است (عمید، ۱۳۸۰: ۷۰۸).

جزء دیگر این اصطلاح، «مردم نهاد» است، بدین معنا که پایه گذاری و تأسیس آن از سوی مردم و اشخاص غیردولتی صورت می گیرد، به عبارتی این گونه سازمان ها برخاسته از جامعه مدنی هستند (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۰).

در خصوص تعریف سازمان مردم نهاد اتفاق نظر وجود ندارد. طبق ماده یک دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۸:

الف - نهادهای مردمی: نهادهای هستند که به صورت داوطلبانه، غیردولتی، غیرانتفاعی، غیرسیاسی و با مجوز یکی از مراجع ذی-صلاح فعالیت می‌کنند؛ از قبیل مساجد، سازمان‌ها و تشکل‌های مردم نهاد، هیئت‌های مذهبی، گروه‌های تبلیغی و سازندگی، انجمن‌های علمی، خیریه‌ها و بقاع متبرکه.

ب - نهادهای مردمی همکار: نهادهایی هستند که برای نقش‌آفرینی در چارچوب این دستورالعمل تمایل به همکاری دارند و معاونت پیشگیری با همکاری مراجع مرتبط، موضوع و محدوده جغرافیایی فعالیت آنها را پس از احراز شاخص‌های مربوطه، تعیین و به مراجع مسئول ابلاغ می‌نماید.

بند الف ماده مذکور در واقع ویژگی‌های سازمان‌های مردم نهاد را بیان داشته و تعریف کاملی از سمن‌ها را ارائه نداده است. در خصوص بند دوم این ماده نیز اولین بار از اصلاح نهادهای مردمی همکار استفاده شده که این خود نشان از تمایل و همکاری دولت با سازمان مردم نهاد است که به منظور رفع نقیصه‌های موجود در نظام‌های رسمی به تقویت و سازماندهی کاربست‌هایی خارج از نهادهای رسمی پیشگیری و سرکوب بزه دیده روی آورد است.

اما تعریفی که از نظر نگارنده کامل‌تر به نظر می‌رسد سمن‌ها، سازمانی با شخصیت حقوقی مستقل هستند که بنا بر شرایط و مقتضیات و نیازهای جامعه تأسیس می‌شود و دارای قانونمندی و اساسنامه مدون هستند و نیز در چارچوب قوانین موضوعه‌ی کشور و مفاد آیین‌نامه‌های اجرایی آن در یک یا چند حوزه و در سطح محلی، استانی، ملی و یا بین‌المللی فعالیت می‌کنند (جوانی، ۱۳۹۷: ۱۲). در پژوهش حاضر از عنوان سمن که همان اختصار سازمان مردم نهاد است استفاده نموده‌ایم.

## ۲- تعریف سیاست جنایی

اصطلاح «سیاست جنایی» از منظر لغوی از دو واژه «سیاست» و «جنایی» ترکیب یافته است. واژه «سیاست» به معنای پاس داشتن ملک، نگاه داشتن، حفاظت، حکمرانی بر رعیت، حکومت و ریاست برای آن آورده شده است. واژه «جنایی» که از دو قسمت «جنا» و «یای» نسبت ترکیب یافته، در اصل یک واژه عربی از ریشه «جنا» و مترادف «اثم» است و به معنای گناه، جرم و کاری است که کردن آن ناشایست باشد یا آنچه که باید شرعاً از آن اجتناب نمود آمده است. جنایت هر فعلی است که آن را منع کرده باشند و متضمن زبانی نیز باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۸۶۵).

سیاست جنایی در دو مفهوم موسع و مضیق قابل تعریف می‌باشد. تعریف مضیق از سیاست جنایی عبارتند از برخورد کیفری توسط دولت با مجرمین یا همان سیاست کیفری است (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۹۰: ۱۱۹) و تعریف موسع سیاست جنایی عبارتند از مجموعه‌ای از شیوه‌ها و تدابیر را شامل می‌گردد که از سوی قانونگذار و با هماهنگی قوای مجریه و قضائیه و متخصصین سایر علوم و از طریق شرکت دادن مردم عادی در دادرسی‌ها و با تکیه بر آنها پاسخ‌های خویش را به پدیده مجرمانه (جرم و انحراف) و به منظور پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین سازمان می‌بخشد.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت تفاوت سیاست جنایی در مفهوم مضیق و مفهوم موسع در این است که سیاست جنایی در معنای مضیق، همان سیاست کیفری است که یکی از زیر مجموعه‌های سیاست جنایی است اما سیاست جنایی در مفهوم موسع سیاست کیفری و سیاست غیر کیفری است بدین توضیح که سیاست جنایی تنها شامل اقدامات کیفری نمی‌شود بلکه شامل اقدامات غیرکیفری از قبیل تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... نیز می‌شود. (قیاسی، ۱۳۸۵: ۴۰-۴۱) باتوجه به اینکه موضوع

مقاله بررسی جایگاه سمن‌ها در سیاست جنایی اجرایی ایران با توجه به دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۸ است به همین علت در ذیل به تعریف سیاست جنایی اجرایی می‌پردازیم.

### ۳- سیاست جنایی اجرایی

قوه مجریه یکی از قوای سه‌گانه است که وظیفه مدیریت کشور را بر اساس قوانین و مقرراتی که توسط قوه مقننه تصویب می‌شود برعهده دارد. ریاست قوه مجریه را رئیس جمهور بر عهده دارد که وفق اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی ایران پس از رهبری رئیس جمهور کشور به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور اعلام شده است.

از نظر عده‌ای از حقوقدانان کیفری باتوجه به اینکه در نظام حقوقی ایران قوه مجریه مقررات و قوانین وضع شده قوه مقننه و نیز آراء و احکام قوه قضائیه را به اجرا می‌گذارد، سیاست جنایی اجرایی را به معنای تدابیر و سیاست‌های کلی قوه مجریه که با هدف کنترل جرم و واکنش ضدجرم صورت می‌گیرد و ناظر بر نحوه اجرای قوانین و رویه قضایی موجود است می‌دانند.

آنچنانکه از تعریف فوق از سیاست جنایی اجرایی برداشت می‌شود جایگاه قوه مجریه در سیاست جنایی صرفاً به اجرای سیاست جنایی قضایی و تقنینی مختصر و تحدید گشته و جایگاه مستقلی برای این قوه در راستای اتخاذ سیاست‌های کلان در حوزه سیاست جنایی پیش‌بینی نشده است (نسل، ۱۳۸۷: ۱۲)؛ که این امر محل تأمل است چرا که بنظر می‌رسد قوه مجریه، علاوه بر آن که مجری سیاست‌های تقنینی وضع شده توسط قانونگذار و نیز سیاست جنایی قضایی وضع شده توسط قوه قضاییه است، در برخی از حوزه‌ها مانند وضع آیین‌نامه‌های اجرایی و یا برخورد مستقیم خویش با پدیده‌ها و ناهنجاری‌های جامعه و... اصالتاً و رسماً اقدام به سیاست‌گذاری در بخش‌هایی از سیاست جنایی کشور می‌نماید.

لازم به ذکر است، با توجه به اینکه پاسخ دادن به پدیده‌های بزه‌کارانه، جلوگیری از وقوع بزه و مجازات از اختیارات نهاد حاکمیتی می‌باشد، جایگاه قوه مجریه در تدوین تدابیر لازم و اقدامات اجرایی مرتبط با آن نیز بسیار حائز اهمیت است، از سوی دیگر سه قوه حاکمیتی در ایران (قوای مقننه، قضائیه و مجریه) هر یک به روش خاص خود در فرآیند پیشگیری از وقوع پدیده‌ها و اعمال مجرمانه دخالت دارند و در این میان عملکرد قوای مقننه و قضائیه به جهت آن که ارتباط مستقیم با موضوع می‌داند بیشتر جلب توجه می‌نماید و به تبع نقش قوه مجریه در سیاست‌های جنایی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ لیکن باید توجه داشت که قوه مجریه به واسطه تسلط بر امکانات اجرایی همانطور که بیان شد، گاهی اوقات مبادرت به سیاست‌گذاری در زمینه‌های خاص از سیاست جنایی می‌نماید که در زمینه پیشگیری از وقوع بزه مؤثر است؛ بنابراین کم‌توجهی به سیاست جنایی اجرایی می‌تواند ناکارآمدی سیاست جنایی تقنینی و قضایی در مبارزه با بزه و پیشگیری ارا در پی داشته باشد (باصری، ۱۳۸۸: ۳۶).

### ۳-۱- کارکرد سمن‌ها در سیاست جنایی اجرایی

آخرین بخش فرآیند دادرسی کیفری مرحله اجرای حکم صادر شده توسط محاکم قضایی می‌باشد و در واقع بهبوده نیست این سخن که بگوییم هدف از کل فرآیند دادرسی کیفری تحقق مرحله اجرای حکم است؛ زیرا هدف از آغاز فرآیند کیفری با همه تشریفات خاص آن این موضوع است که در صورتی که جرم انتسابی به متهم احراز گردد بواسطه مسؤلیت کیفری مجرم، حکم

صادره باید مطابق مقررات به موقع به اجرا گذاشته شود تا بواسطه اجرای مجازات آسیب و خدشه‌ای که به نظم و امنیت جامعه و نیز فرد بزه‌دیده وارد شده است جبران شود.

سیاست های جنایی در صورتی عادلانه است که در پیش‌بینی و اجرای ضمانت اجراها مناسب با جرایم و متنوع بودن مجرمین و مختلف بودن شرایط و برقراری عدالت و اصلاح کردن مجرمین و بازگرداندن این مجرمین به اجتماع می‌باشد را مورد توجه قرار می‌دهد. (بابایی، ۱۳۹۰: ۲)

در خصوص اجرای مجازات‌ها، احترام به کرامت انسانی نکته بسیار مهمی است که باید به آن توجه گردد در همین راستا ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ به کرامت انسانی و حفظ حیثیت و کرامت مظنونین و متهمین اشاره داشته همچنین اصول زیادی از قانون اساسی، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، ماده واحده قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و سایر حقوق موضوعه هر کدام به نوعی به حفظ حقوق متهم و توجه به کرامت وی حین اجرای مجازات توجه داشته‌اند (علی بخشی، ۱۳۹۷: ۱۶۷).

از جمله روش‌هایی که در واقع به آثار زندان و اصلاح آن در جهت اصلاح مجرمین مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ روش‌های محیط باز و نیمه آزادی هستند که هنوز هم کاربرد دارند. (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۶۰) نهادهای دیگر مثل دوره مراقبتی، نظام آزادی مشروط، تعویق صدور حکم مشابه نهاد مذکور بوده و زمینه حضور سمن‌ها را می‌تواند فراهم نماید، مخصوصاً که ممکن است اجرای این نهادها تحت نظارت مأمور تعلیق مراقبتی و یا مددکار اجتماعی قرار گیرد، به شرطی که این افراد رسمی و دولتی نباشند و از افراد داوطلب و مردمی باشند والا ممکن است نتیجه مورد انتظار گرفته نشود و یا اگر مشکلات ساختاری گریبان‌گیر جامعه باشد، نتایج مطلوبی اخذ نگردد (رست، ۱۳۸۶: ۳۱۶).

بنابراین نظر به ضرورت و اهمیت جایگاه سمن‌ها در مجازات‌های جایگزین حبس در ذیل جایگاه سمن در مجازات جایگزین حبس را با توجه به مقررات و قوانین موضوعه داخلی مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

#### ۴- دوره مراقبتی

در پی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها و ناکارایی سیاست‌های پیرو مجازات حبس، سیاست‌گذاران جنایی به جایگزین‌های مجازات حبس روی آورده‌اند. قانون‌گذار ایران نیز در سال ۱۳۹۲ در قانون مجازات اسلامی دست به تغییراتی زده و نوآوری‌هایی را ایجاد نموده است. یکی از این جایگزین‌های حبس دوره مراقبتی است که نسبت به نهادهای مشابه در قوانین سابق، تغییرات زیادی کرده است (آیبار، ۱۳۹۴: ۲).

هدف از دوره مراقبتی که از مهم‌ترین نهادهای جایگزین مجازات زندان می‌باشد؛ کم کردن تعداد جرم و تعداد زندانیان است. ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دوره مراقبتی را اینگونه تعریف نمود: دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه ب- در جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال ت- در جرائم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال است.

بنابراین دوره مراقبتی مجازات، مجرم علاوه بر رعایت شرایط تعلیق ساده، باید الزاماتی را، در مدت معینی، از طرف دادگاه رعایت نماید. در صورت انجام دستورات دادگاه از مجازات معاف می‌شود و در غیر این صورت مجازات می‌شود (سرداری، ۱۳۹۷: ۸).

شرایطی که ممکن است دادگاه در حکم خود پیش‌بینی کند همان دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی است که عبارتند از:

الف- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد ت- پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری ج- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آنچه خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه ح- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

از باب سیاست جنایی مشارکتی شرایط و الزامات ماده فوق‌الذکر بسیار مفید می‌باشد بدین توضیح که طبق بند الف ماده فوق دادگاه می‌تواند محکوم را ملزم به حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص کند. اگر دادگاه تشخیص دهد بیکاری سبب ارتكاب جرم شده می‌تواند از این شرط استفاده کند این شرط به لحاظ متعددی مفید است، اول اینکه از تکرار جرم جلوگیری می‌شود و سبب اصلاح مجرم و اعاده وی به جامعه می‌گردد. دوم اینکه از هزینه‌های اضافی جلوگیری می‌شود. سوم اینکه جامعه در اجرای این شرط نهاد عدالت کیفری را یاری می‌دهد و با آغوش باز از محکوم استقبال می‌نماید.

شرط مهم دیگر درمان بیماری یا ترک اعتیاد که در بند پ این ماده به آن اشاره شده است. در ترک یا درمان و معالجه یک معتاد افراد بسیاری می‌توانند کمک کنند از جمله خانواده محکوم، جامعه محلی، درمانگاه‌های خصوصی، سازمان‌های مرد نهاد و غیره. می‌توانند محکوم را در اجرای این شرط یاری کنند که در ادامه این مقاله راجع به این موضوع بیشتر توضیح داده ایم.

از شروط های دیگر این ماده میتوان به انجام ندادن فعالیت حرفه‌ای مربوط به جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل تاثیر گذار؛ در آنچه خودداری از معاشرت و ارتباط با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از جمله بزه دیده به تشخیص دادگاه می باشد؛ اشاره کرد

سوال اینجاست در صورتی که به تشخیص دادگاه این دستور صادر شود به چه نحوی دادگاه ملتفت شود که فرد با شرکا یا معاونان جرم ارتباط ندارد؟ در خصوص این مورد قانونگذار ساکت است اما بهتر بود در این خصوص نیز قانونگذار از سمن ها یاری می‌گرفت.

بسیاری از کشورهای جهان به مشارکت داوطلبانه مردم در بازپروری بزهکاران از طریق تعلیق مراقبتی علاقه مند شده‌اند. داوطلبانی که به ادارات تعلیق مراقبتی کمک می‌کنند برای مثال نظام تعلیق مراقبتی در ژاپن در سال ۱۹۵۰ تأسیس شد و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر داوطلب دارد. قانون مأموران تعلیق مراقبتی داوطلب در سال ۱۹۹۹ برای بالابردن توانایی و کارایی این مأمورین و حل کردن چالش‌ها و نارسایی‌های قبل مورد اصلاح قرار گرفته است

و این مأموران اختیاراتی مثل مأمورین تعلیق مراقبتی به آنها تفویض شده است و انجمن‌هایشان به عنوان یک سازمان عمومی رسمی هستند و بیان شده است که دول محلی با مأموران مذکور انجمن‌هایشان تعامل کنند. (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۶۵-۱۶۴).

متأسفانه در کشور ایران سمن‌هایی که صرفاً مخصوص تعلیق مراقبتی باشند تا کنون تشکیل نشده بهتر است سمن‌هایی مخصوص تعلیق مراقبتی تشکیل شود و طبق قانون به آنها صلاحیت وظایف و اختیاراتی همانند مأموران تعلیق مراقبتی داده شود تا برای اجرای فرمان‌های قاضی همکاری کنند چون که اجرا کردن این چنین مجازات‌هایی که اجتماعی هستند در پایه یک جواب به پدیده



جرم، علاوه بر حمایت و مشارکت شهروندان امکان پذیر است و با این حال امکان دارد که این جواب ها و پاسخها در واقع اجتماعی تلقی نگردند اما جز در سایه حمایت ها و مشارکت های شهروندان و مردم تحقق پذیر نیست. (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۴۱-۲۴۰).

#### ۱-۴- تأثیر سمن ها در سیاست جنایی زندان ها

محیط زندان در عصر قدیم به محیطی تاریک و وحشتناک بوده و جایگاهی برای اجرا کردن کیفر زندان نبوده است بلکه زندان برای نگهداشتن افرادی بوده است که منتظر اجرای جرم خود اعتراف یا جرم و کیفر بدنی بودند و مورد استفاده قرار گرفته است که با پیدایش مکتب کلاسیک جرم های جسمانی کم کم جایگزین جرم های زندان و حبس شد که دفاع کردن از این جرائم در نظر ژرمن بتام که از موسسین مکتب کلاسیک بود. مورد پذیرش قرار گرفت. (پرادل، ۱۳۸۱: ۶۳).

در قرن ۱۹ ایجاد حس ندامت در مجرمین و پشیمانی آنها هدف حبس اعلام شد که در سده بیست هدف از زندان کردن مجرمین در واقع اصلاح کردن و تربیت آنها و بازپروری آنها بود که در سالهای اخیر می توان گفت در نظر جرم شناسان در واقع اصلاح کردن زندانیان در زندان موفق نبوده است و زندان کردن زندانیان باعث تربیت و بازپروری آنها نمی شود و جامعه پذیری مجرمین در یک فضای مصنوعی که در آن اثراتی از مناسبت ها و مراودات های خارج از محیط زندان پیدا نمی شود بعید به نظر می رسد و همه ی آسیب پذیرفتگان اجتماعی پس از ترخیص از زندان و خانواده های ایشان نیاز مبرم به حمایت و هدایت و نظارت دارند (گودرزی، ۱۳۸۳: ۲۲۸). به همین علت در آخر حقوقدانان به این نتیجه رسیدند که دولت به علت نداشتن نیروی کافی و هزینه-بردار بودن نمی تواند به تنهایی در اجرای مجازات و بازپروری و اصلاح مجرمان موفق باشد و جهت این امر می بایست از جامعه مدنی از جمله سمن ها استفاده کند خصوصاً اینکه در جامعه امروزی، بر نقش واسطه بودن سازمان های غیردولتی به عنوان یکی از ارکان جامعه مدنی بین مردم و دولت تأکید بسیار زیادی می شود و همچنین تأکید می شود این سازمان ها مدافع حقوق مردم در مقابل دولت ها به شمار می آیند و کاستی ها و نقایص موجود در جامعه در حوزه های تخصصی موضوع فعالیت سازمان خود را به دستگاه های ذیربط دولتی منعکس و برای رفع و حل آنها پیشگیری نمایند و به این ترتیب سیاست های غیرمردمی دولت را به چالش بکشاند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۲۷-۱۲۸). جنبش خصوصی سازی زندان ها از جمله مدیریت آنها به ویژه در آمریکا، به واسطه بالا بودن تورم جمعیت کیفری اجرا شده است و در برخی از کشورهای دیگر در حال تجربه می باشد را می توان یکی دیگر از مظاهر مشارکت مردم در مرحله اجرا مجازات حبس دانست (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۶۳). در ایران نیز انجمن حمایت از زندانیان در سال ۱۳۳۶ تشکیل شد که اساسنامه این انجمن در اسفند سال ۱۳۶۰ توسط شورای عالی وقت مورد تصویب شد. انجمن به منظور جلب مشارکت مردم و مسئولان در بهینه سازی اجرای مجازات حبس می تواند در مواردی چون همکاری با مسئولان زندان و جلب مساعدت مؤسسات کشور در مورد درمان زندانیانی که دچار ناهنجاری های مغزی و روانی هستند انجام فعالیت های عام المنفعه خیریه و اقتصادی و اقدامات اداری در جهت انجام وظایف قانونی اش و سرانجام اعلام نظر مشورتی به مسئولان زندان در مورد حسن اداره زندان ها مؤسسات تامینی و تربیتی و مؤسسات وابسته به آنها یا در مورد زندانیان یا خانواده های آنان و در هر موردی که با زندانیان و خانواده آنان ارتباط یابد، اقدام نماید. بدین ترتیب، با تصویب این اساسنامه مشارکت مردم در اجرای مجازات ها به رسمیت شناخته شده است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۱۸۸).

در ماده ی ۱۸۶ آیین نامه اجرای زندان مصوب ۱۳۸۴ در واقع مشارکت های مردمی در زندان ها فراهم شده است. همچنین طبق ماده ۴۲ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه باعث مشارکت های متعدد مدنی و مردمی در محیط زندان ها و مؤسسات آنها فراهم شده است. و تبصره ۲ ماده ۶ آیین نامه اجرایی مددکاری اجتماعی سازمان زندان-

ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، علاوه بر ظرفیت موجود در واحدهای مددکاری اجتماعی زندان‌ها، ضمن فعال‌سازی حداکثری ظرفیت انجمن‌های حمایت از زندانیان، از ظرفیت آموزشی، مشاوره‌ای، مددکاری، حمایتی و اجرایی نهادهای مردمی همکار برای ارائه خدمات به مددجویان، به ویژه زنان و اطفال و نوجوانان، در موارد زیر استفاده نماید:

الف- تدوین برنامه‌های اصلاح و تربیت و نظارت بر آن؛ ب- برقراری ارتباط میان مددجویان با اعضای خانواده، اقوام و خویشاوندان؛ پ- فراهم نمودن امکان تحصیل؛ ت- برگزاری دوره‌های آموزشی، تربیتی، اخلاقی، مذهبی، ورزشی و هنری؛ ث- کمک به ایجاد کسب و کار و فعالیت‌های درآمدزا از طریق شناسایی خدمات و محصولات مورد نیاز، حرفه‌آموزی، ارتقای مهارت‌های شغلی، تأمین منابع مالی مورد نیاز و بازاریابی و فروش خدمات و محصولات؛ ج- ارائه خدمات پزشکی، روانپزشکی، روانشناسی و مددکاری اجتماعی مورد نیاز؛ چ- معاضدت حقوقی؛ ح- برقراری امکان ملاقات نخبگان، چهره‌های علمی، فرهنگی، مذهبی، هنری و ورزشی با مددجویان.

خ- کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی خانواده ایشان. د- کمک به تأمین منابع مالی مورد نیاز برای جبران خسارات وارده بر بزه‌دیدگان و پرداخت جزای نقدی آنان. ذ- ایجاد صلح و سازش میان طرفین دعوی (موضوع ماده ۴۳ این دستورالعمل). ر- انجام تحقیقات و پژوهش‌های لازم در زمینه‌های جرم‌شناسی و علم اداره زندان‌ها و نظایر آنها؛ ز- پیشنهاد طرح‌ها و راه‌حل‌ها در زمینه بهبود اداره زندان‌ها به مسئولان.

ژ- بهبود فضای فیزیکی زندان‌ها.

تبصره- در راستای تحقق بند ث ماده مذکور و در اجرای آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، این سازمان در راستای کارآفرینی اجتماعی بازپرورانه، خصوصاً نسبت به مددجویان متقاضی، بسترهای مناسب برای سرمایه‌گذاری مؤسسه‌های خیریه، عام‌المنفعه و نهادهای غیردولتی برای ایجاد و اداره مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی درون زندان را فراهم آورد.

در کشور ایران نیز طبق بند ذ ماده ۴۲ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه و ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان از سمن‌ها و مشارکت مردمی جهت صلح و سازش بهره‌مند شد. در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، قانونگذار ایرانی به تأثیر از سایر نظام‌های مترقی دنیا اقدام به تأسیس حقوقی جدیدی تحت عنوان «میانجی‌گری کیفری» نموده است. فی‌الواقع برقراری سازش و صلح و میانجی‌گری از دیرباز به عنوان یکی از مؤثرترین شیوه‌های مرتفع نمودن تنازع در جوامع مدنی مورد استعمال بوده است و همین قدمت میانجی‌گری از دیدگاه برخی از اندیشمندان به عنوان خمیرمایه شکل‌گیری عدالت ترمیمی پنداشته شده است. در عدالت ترمیمی کلیه طرفین درگیر در جرم را در این فرآیند مشارکت می‌کنند تا با مشارکت یکدیگر به راه حل جمعی می‌رسند (Van Ness, 2000, 2). امر میانجی‌گری کیفری با سرعت، هزینه کم و به صورت خصوصی و دوستانه و خارج از قواعد خشک تشریفات دادرسی کیفری موضوع تنازع مورد بررسی و مورد مصالحه قرار می‌گیرد که سمن‌ها به عنوان بازوی توانمند مشارکت مردم در سیاست جنایی که وفق بند «ث» ماده یک آیین‌نامه میانجی‌گری کیفری و بند ذ ماده ۴۲ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه صراحتاً به آنها اشاره گردیده شده است می‌توانند به صورت تخصصی و بی‌طرفانه در این مهم مشارکت نمایند.

اقدامات درون زندان در صورت نادیده گرفتن حمایت وی پس از خروج تأثیر محدودی داشته، زمانی که فرد را زندان خارج می‌شود نیاز به حمایت بعد از خروج و ادامه فرآیند بازپروری دارد در غیر این صورت فرد را به شرایطی که وی را به سمت ارتکاب جرم سوق داده است باز می‌گردد و تمامی اقدامات درون زندان بی‌فایده جلوه می‌نماید بنابراین راهکارها پس از خروج از زندان باید نسبت به راهکارهای درون زندان خاص‌تر باشند. خوشبختانه در ماده ۴۵ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۸ به بازپروری زندانیان و حمایت پس از خروج از زندان توسط نهادهای مردمی همکار توجه شده. در چنین فرآیندی وجود یکسری نهادها و سازمان‌های اجتماعی که با حذف تمامی تهدیدها و محرومیت‌ها زمینه اشتغال و استخدام این افراد را فراهم نمایند، امری ضروری و مطلوب به حساب می‌آید. بنابراین برای اجتناب از وقوع چنین وضعیتی، مسأله حمایت، هدایت و به ویژه کار برای زندانی پس از خروج، از جانب مسئولان و پیگیری و نظارت بر آن تشویق مالیاتی و مددگرفتن از شرکت‌ها و کارگاه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی خصوصی حایز اهمیت است.

طبق این ماده سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و تبصره ۲ ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به منظور آماده‌سازی برای خروج از زندان و تسهیل بازگشت محکومان پس از تحمل کیفر به زندگی شرافتمندانه، ضمن فعال‌سازی حداکثری ظرفیت انجمن‌های حمایت از زندانیان و مراکز مراقبت بعد از خروج و دستگاه‌های متولی، از ظرفیت آموزشی، مشاوره‌ای، مددکاری، حمایتی و اجرایی نهادهای مردمی همکار، در انجام موارد زیر استفاده نماید:

الف- فراهم نمودن امکان تحصیل

ب- برگزاری دوره‌های آموزشی، تربیتی، اخلاقی و مذهبی.

پ- کمک به ایجاد کسب‌وکار و فعالیت‌های درآمدزا از طریق شناسایی خدمات و محصولات مورد نیاز، حرفه‌آموزی، ارتقای مهارت‌های شغلی، تأمین منابع مالی مورد نیاز و بازاریابی و فروش خدمات و محصولات

ت- کمک در تأمین مایحتاج اولیه زندگی

ث- ارائه خدمات پزشکی، روانپزشکی، روانشناسی و مددکاری اجتماعی مورد نیاز

ج- معاضدت حقوقی

چ- کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی خانواده ایشان

بدین ترتیب راهکارهایی جهت مراقبت و حمایت از زندانیان پس از زندان وجود دارد که می‌توان آن را به راهکارهای عام پس از زندان و راهکارهای خاص پس از زندان تقسیم نمود در بند اول راهکارهای عام پس از زندان و در بند دوم راهکارهای خاص پس از زندان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۵- راهکارهای عام پس از مجازات

منظور از تدابیر عام این است که می‌توان آن‌ها را بدون در نظر گرفتن معیار خاصی نسبت به افراد زندانی بعد از خروج از زندان به کار گرفت. این راهکارها تحت عنوان نیازهای اولیه که شامل مسکن، خوراک، پوشاک، مواد بهداشتی و نیز نیاز به استخدام و اشتغال است مورد بررسی قرار گرفته می‌شود.

## ۱-۵- رفع یا کاهش مشکلات مالی

در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی تعداد نهادهای مستقل مدنی وجود دارد که هدف اصلی آنها حل مشکلات و گرفتاری‌های مالی افراد است. این نهادها به دو شکل مساعدت می‌نمایند یکی از طریق پرداخت جریمه‌های نقدی به جای تحمل حبس دیگری تأمین نیازهای مالی زندانیان بزهکار پس از دوره حبس، به طور طبیعی بزه کاری که مدت مدیدی را زندان سپری کرده به محض رهایی از زندان، خود را با مشکلات مالی مواجه می‌بیند.

در چنین فرآیندی وجود یکسری نهادها و سازمان‌های اجتماعی که با حذف تمامی تحدیدها و محرومیت زمینه اشتغال و استخدام این افراد را فراهم نمایند، امری ضروری و مطلوب به حساب می‌آید. بنابراین برای اجتناب از وقوع چنین وضعیتی مسأله حمایت، هدایت و به‌ویژه کار برای زندانی پس از خروج از جانب مسئولان و پیگیری و نظارت بر آن تشویق مالیاتی و مدد گرفتن از شرکت‌ها و کارگاه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی خصوصی حایز اهمیت است.

## ۲-۵- ایجاد اشتغال

تجربه ثابت کرده افرادی که پس از آزادی صاحب شغل شده و خانواده و جامعه آنها را طرد نکرده‌اند به سراغ جرم نرفته‌اند. بیکاری از عوامل مؤثر اجتماعی در فرآیند بزه و بزهکاری تلقی می‌شود. آنگونه که احتمال دارد فرد بزه ناکرده در ورطه بزهکاری افتد، به همان میزان و شاید بیشتر یک فرد بزه ناکرده که به تازگی از زندان رهایی یافته، ممکن است بیکاری و نداشتن شغل مناسب را به‌عنوان دستاویزی برای توجیه بزهکاری خود بهانه کند. آنچه مهم است چنین افرادی به علت برجسب مجرمانه‌ای که تا مدت‌ها بدوش می‌کشند، در زمینه استخدام و شغل‌یابی با موانع جدی روبرو می‌شوند. به همین دلیل شهروندان و سمن‌ها با تشویق مردم به کار و نظارت بر رفتار آنها و اقدام لازم برای رفع مشکلاتشان، در این روش می‌توانند مشارکت کنند (دانش، ۱۳۶۶: ۳۵۱-۳۵۰).

## ۳-۵- تدابیر اجتماعی

یکی از عوامل مؤثر در بزهکاری، مشارکت مربوط به محیط زندگی است. در این راستا، عواملی مانند نداشتن محل سکونت مشخص، عوامل جرم‌زای محیطی و نظایر آن افراد را در معرض ارتکاب تکرار بزه قرار می‌دهد. به طور مشخص حضور و مشارکت نهادهای اجتماعی جهت تأمین نیازهای مسکن مبارزه با عوامل جرم‌زا و تلاش برای سازگاری رفتار بزهکار با محیط زندگی، جزء شاخص‌های مهمی هستند که می‌تواند به نوبه خود تأثیرات قابل ملاحظه بر اصلاح رفتار بزهکاران و پیشگیری از تکرار بزهکاری برجای گذارد.

در بعضی کشورها، کلیسا برنامه‌های گوناگونی به منظور حمایت از بزهکاران از جمله پرداخت وام به زندانیان و خانواده‌های آنها اجرا می‌نماید. این است که در کشورهای ایران نیز نهادی چون مرکز مراقبت پس از خروج از زندان که با مشارکت مردم و دستگاه‌های دولتی و عمومی نقشی مؤثر در کاهش مشکلات مالی پس از آزادی از زندانیان دارد می‌تواند بعنوان ابزاری پراهمیت در نظام اجرای سیاست جنایی مشارکتی ایران انگاشته شود (سعیدی، ۱۳۹۴: ۲۵۰-۲۵۱).

## ۶- راهکارهای خاص پس از مجازات

در این بند به راهکارهای خاص در مرحله پس از کیفر پرداخته می‌شود. نگارنده راهکارهای خاص را با توجه به جنس، سن و نوع جرم ارتكابی در نظر گرفته است. طبقه‌های اصلی که اعمال راهکارهای خاص در خصوص آن‌ها موضوعیت می‌یابد، زنان، نوجوانان، معتادین به مواد مخدر و الکل می‌باشند.

شکل‌گیری و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد در هر جامعه‌ای می‌تواند نوید بخش رشد و شکوفایی آن جامع در سایه مشارکت و همکاری مردم باشد.

می‌توان از برخی سمن‌ها که خودجوش به درمان برخی از معتادان و در این کار موفق بودند نام برد حتی برخی از این افراد که خودشان قبلاً اعتیاد داشتند و موفق به ترک اعتیاد شده‌اند توانستند به صورت داوطلبانه بسیاری از این بیماران را نجات دهند. از جمله سمن‌هایی که به درمان قربانیان اعتیاد هستند می‌توان به (NA) اشاره کرد این سمن از افرادی تشکیل شده که روزی خود قربانی مواد مخدر بودند و مستقل از دولت بوده و از لحاظ مالی نیز هیچ حمایتی نمی‌شوند. نهاد نیز برنامه‌هایی برای پس از درمان شخص ارائه می‌دهد. این برنامه‌ها عبارتند از مسئولیت‌پذیری و کسب مهارت و کار و آموزش ایفای نقش در جامعه و غیره.. به نظر می‌رسد که سازمان‌های مردم‌نهاد، بازوی توانمندی در راه رفع مشکلات و چالش‌های پیش روی جوانان هستند، و در مورد اعتیاد پیشنهاد می‌شود قانونگذار درمان و بازپروری این افراد را به سمن‌ها واگذار کند. (نصرالهی هریکندهی، ۱۳۹۴: ۳).

معتاد به مواد الکلی نیز بایستی درمان شود چرا که اگر کسی پس از مجازات چندین بار مرتکب چنین عملی می‌شود و یا به عبارتی مصرف مشروبات الکلی را تکرار می‌کند نشان دهنده این است که صرف مجازات در خصوص چنین مجرمانی جوابگوی جلوگیری از تکرار جرم نیست و این فرد نیاز به اقدامات پزشکی و درمانی دارد. یکی از اهداف اصلی این انجمن تشویق و درک خانواده‌های الکلیسم و معتاد است و با استفاده از تجربیاتی که افراد مختلف دارند سعی می‌کنند نیرو، آرامش و امید را به این خانواده بخصوص فرزندان آنها بازگرداند و به این وسیله بتوانند برای زندگیشان هدف مشخصی را انتخاب کنند و در مسیری روشن گام بردارند. طبق بند ۳ ماده ۳۵ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۸-مقام قضایی می‌تواند به منظور تهیه و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای شناخت وضعیت فردی و اجتماعی مرتکبان و همچنین جهت اتخاذ تصمیم در زمینه به‌کارگیری و اجرای سازوکارهای تخفیف تعلیق تعقیب، تعیین مجازات تعزیری، معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، در جهت کمک به درمان بیماری یا ترک اعتیاد از ظرفیت‌های آموزشی، مشاوره‌ای، اجرایی، حمایتی و نظارتی نهادهای مردمی استفاده کند. در این ماده از کلمه اعتیاد استفاده کرده که این کلمه هم شامل معتادان مواد مخدر و هم شامل معتادان الکلی می‌شود. ایراد وارده بر این ماده این است که مقام قضایی را مکلف به استفاده و کمک از سمن‌ها به درمان معتادان ننموده و مقام قضایی مختار است که جهت درمان معتادان از سمن‌ها استفاده کند بدون توجه به این مساله که اگر معتادان را در جایی نگه داری کنیم و داروهایی با دزهای مختلف به او بدهیم، تنها مشکل جسمی او را حل کرده ایم اما مشکل روانی او حل نمی‌شود و به محض اینکه او از آن مرکز خارج شود دوباره به مواد مخدر رجوع می‌کند از این رو بایستی جهت ترک اعتیاد از سمن‌ها برای درمان روحی و جسمی معتادان استفاده کرد چرا که نهادهای برخاسته از مردم چون از خود مردم هستند و با مشکلات دست و پنجه نرم کرده‌اند بهتر می‌توانند در درمان اعتیاد در جامعه گام‌های مثبتی بردارند. معتادان با اعتماد به این نهادهای مردمی نیازها و خواسته‌هایشان را در میان می‌گذارند و این نهادهای مردمی با راهنمایی و مشاهده‌های مورد نظر آنها را به طریقی مناسب هدایت می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۶: ۹۸).

### نتیجه‌گیری

سازمان مردم‌نهادی سمن‌ها در محیط داخلی کشورها زمینه تعامل دولت و ملت را در چارچوب قواعد خاص، هدفمند، منظم، فارغ از ملاحظات سیاسی و انتفاعی فراهم کرده و گروه‌های هدف را در رسیدن به زندگی مطلوب یاری می‌کنند به بیان دیگر

سمن‌ها به نهادهایی داوطلبانه غیردولتی، غیر انتفاعی، عام المنفعه و خیرخواهانه اطلاق می‌شود که بر اساس اساسنامه مشخص در حوزه‌های خاص مشغول به فعالیت هستند.

سمن‌ها در بخش‌های مختلف سیاست جنایی اعم از سیاست جنایی تقنینی، مشارکتی، قضایی و اجرایی تأثیر گذارند. سمن‌ها در سیاست جنایی اجرایی می‌توانند نقش پررنگی را ایفاء کنند. به عنوان نمونه در اجرای مجازات‌ها از جمله مجازات‌های جایگزین حبس و همچنین در مراجع مراقبتی پس از زندان می‌توانند جایگاه بخصوصی داشته باشند. در خصوص مجازات جایگزین حبس باید گفت که هدف از اجرای مجازات جایگزین حبس این است که محکوم بتواند فرصت بازگشت به اجتماع را داشته باشد که در این خصوص همه مردم بایستی احساس مسئولیت کنند و مشارکت داشته باشند. در این مورد افزایش مشارکت مردمی بخصوص سمن‌ها بسیار مؤثر است زیرا مورد استقبال عموم قرار گرفته و تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت همچنین سبب افزایش نظارت اجتماعی غیررسمی و افزایش امنیت در جامعه خواهد شد در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس از جمله تعلیق مراقبتی، نظام آزادی مشروط، تعلیق باید گفت اجرای این مجازات‌ها تحت نظارت مأمور مراقبتی و یا مددکار اجتماعی صورت می‌گیرد اما بهتر است که این افراد رسمی و دولتی نباشند و از افراد داوطلب و مردمی باشند و الا ممکن است نتیجه مورد انتظار اخذ نگردد.

#### پیشنهادات

- در بحث نظارت غیر رسمی بر دستگاه‌های قضایی و اجرایی، پیشنهاد می‌شود نقشی برای سمن‌ها نیز قائل شویم، زیرا این امر بستری برای تقویت اعتماد و تعامل میان مردم و نهاد‌های قضایی و اجرایی قلمداد می‌شود. برآیند این موضوع کاهش رقم سیاه بزهکاری، جلوگیری از تضییع حقوق افراد، ارتقاء کیفیت کاری دستگاه حکومتی و... خواهد بود، البته مشروط به اینکه در تمامی این حوزه‌ها محدوده‌ی مشخص و قانونی برای مداخله و مشارکت این سمن‌ها تعریف گردد.
- از دیگر پیشنهادها می‌توان به تهیه مراکز مددکاری و مشاوره‌ای برای مردم و ارائه خدمات روان‌شناسی به اشخاص بزه دیده و بزهکار در جهت بازپذیرش این افراد در جامعه و یاری رساندن به آنها در جهت بازگشت به زندگی عادی و کمک به سمن‌ها براساس شناسایی زندانیان آزاد شده و خانواده آنها برای تحت پوشش قرار دادن و پیشگیری از مجرم شدن سایر اعضای خانواده و تشویق خانواده‌ها به شرکت در سمن‌ها و بکارگیری توانمندی‌های افراد در جهت نیل به این اهداف اشاره کرد.
- سمن‌ها زمانی می‌توانند نقش خود را ایفا کنند و جایگاه خود را در جامعه بیابند که هم زمینه‌های قانونی ازسوی حاکمیت فراهم شود و هم بسترهای فرهنگی و اجتماعی رشد پیدا کند. زمینه‌های لازم برای اجرای قوانین مربوط به سمن‌ها، فقط درحد نظری باقی مانده‌اند و تقریباً تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۸ نقش آنچنانی برای آنها پیش بینی نشده بود بسترسازی فرهنگی و اجتماعی یکی از الزامات گسترش این نهادهای مدنی است.

- ابوالقاسمی، محمدجواد، ۱۳۸۳، طرح تدوین الگوی مطلوب تعامل دولت با سازمان های غیردولتی برای دستیابی به سیاست های کلان نظام در ارتباطات با آنها، تهران، موسسه فرهنگی هنری عرش پروژه.
- امینی، سمیع الله. ۱۳۹۷. بررسی تطبیقی تعلیق اجرای مجازات در نظام کیفری افغانستان و ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- آبیاری بهمین. ۱۳۹۴، ارزیابی حقوقی- جرم شناختی تعلیق مراقبتی با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- بابایی، حسن، نیلی، پرویز (۱۳۹۰)، سیاست کیفری کرامت‌مدار، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، شماره هشتم.
- باصری، علی اکبر ۱۳۸۸. سیاست جنایی قضایی کودکان و نوجوانان در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی. تهران: انتشارات خرسندی
- پرادل، ژان، ۱۳۸۱: تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ نخست، تهران، سمت
- جمشیدی، علیرضا، ۱۳۹۴، سیاست جنایی مشارکتی، تهران، نشر میزان
- جوانی، فاطمه، ۱۳۹۷، سازمان های مردم نهاد، تهران، انتشارات ساکو.
- دانش، تاج، زمان (۱۳۶۶)، جرم کیست، جرم‌شناسی چیست، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان،
- دهخدا علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت نامه دهخدا. جلد ۹. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- دیده دار حامد. ۱۳۹۷. بررسی تأثیر مجازات در مقایسه با عملکرد کمپ اختیاری ترک اعتیاد با بررسی میدانی در شهرستان شهریار سال ۱۳۹۰-۱۳۹۵. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه عدالت.
- رست، علیرضا، ۱۳۸۶: «موانع مشارکت مردمی در سیاست جنایی ایران» (رساله دکتری، تهران؛ دانشگاه شهید بهشتی)
- رستمی، ولی، ۱۳۸۶. مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی). مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲.
- سرداری حامد. ۱۳۹۷. ساز و کار لازم برای اجرای تعلیق مراقبتی در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- سعیدی محمدرضا. ۱۳۹۳. درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمانهای غیردولتی. تهران: انتشارات سمت
- شامبیاتی هوشنگ. ۱۳۸۲. بزهکاری اطفال و نوجوانان. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات مجد
- شیعه علی، علی، زارع، ۱۳۹۴. جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران. مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴ و ۵
- عظیم زاده اردبیلی فائزه. حسابی ساره. ۱۳۹۰. سیاست جنایی و تطور مفهومی آن. فصلنامه تعالی حقوق، ۱۵
- علی بخشی، زهرا، ۱۳۹۷، جایگاه و تاثیر رسانه در سیاست جنایی، رساله جهت اخذ درجه ی دکتری در رشته حقوق جزا و جرم شناسی، مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.
- عمید حسن. ۱۳۸۰، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر

- قیاسی جلال الدین. ۱۳۸۵. اصول سهولت و مدارا در سیاست جنایی حکومت اسلامی. مجله انجمن معارف اسلامی، ش ۷
- گودرزی بروجردی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، و مقدادی، لیلا، تاریخ تحولات زندان، چاپ نخست، تهران، میزان،
- محمدی علی. ۱۳۹۶. پیشگیری از اعتیاد با رویکرد اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر و بهره مندی از ظرفیت سازمان-های مردمی. مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره ۲.
- نسل محمد. ۱۳۸۷. غلامرضا محمد نسل. پلیس و سیاست جنایی اجرایی پیشگیرانه. پایان نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران.
- نصرالهی هریکندی عیسی. ۱۳۹۴. سیاست جنایی تقنینی ایران راجع به جرائم مرتبط با مشروبات الکلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.

- Philippines-UNAFEI joint Seminar .2002. community involvement in the criminal justice and administration Desamber 2002 manila and march 2002 tokyo.
- Van Ness Daniel W .2000. Restorative justice Around the world paper for United Nations crime congress Ancillary meeting viennal.